



**اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.**

**منصور حکمت**

ایسکرا

سرمدبیر: ایرج فرزاد  
iraj\_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵  
فاکس: 00448701687574

**کرکوک خونین**  
**محصول نظم نوین**

عبدالله شریفی  
صفحه ۳

**لغو حکم اعدام مردم بوکان را خوشحال کرد**

**بیکار شدن دهها نفر از کارگران خباز بوکان**

صفحه ۴

**اپوزیسیون بورژوائی در شکاف پنتاگون و وزارت خارجه دولت بوش**

ایرج فرزاد

بحث "تغییر رژیم" ایران بعد از عملیات "آزادی" عراق، در دستور مقامات حکومت آمریکا قرار گرفته است. پوشش و توجیه طرح جدی تر این سیاست، جدال مقامات آمریکائی بر سر دست داشتن حکومت جمهوری اسلامی در جریان انفجارهای ریاض از طریق میدان دادن به "تروریستهای القاعده" بوده است. مذاکرات بین نمایندگان جمهوری اسلامی و آمریکا که در سویس جریان داشت از سوی مقامات رسمی هر دو رژیم خاتمه یافته اعلام شد. مثل مورد عراق تضاد بین وزارت خارجه و پنتاگون بر سر اقدامات عاجل و تعرضی برای تغییر رژیم ایران بالا گرفت. در هر حال کابوس مناظری که جنایتکاران نظم نوین پیشروی مردم عراق و جهانیان گرفتند، بر فراز سر مردم ایران نیز آویزان کرده‌اند. در این میان طیفهای مختلف اپوزیسیون بورژوائی ایران دارند برای جا خوش کردن در شکاف بین وزارت خارجه آمریکا و پنتاگون، آرایش میگیرند، برای نشان دادن اینکه معنای سیاستهای "ضدتروستی" آمریکا را از قدیمها میشناخته‌اند، با یکدیگر مسابقه چاپلوسی میدهند، شعارها و مطالباتشان را راست و ریست میکنند و خود را برای انطباق بر سناریو استراتژیستهای دولت پرزیدنت بوش آماده میکنند.

صفحه ۲

## دریوزگی در بارگاه پنتاگون

حزب دمکرات کردستان به خط قرمز پا میگذارد



رحمان حسین زاده

با رادیو فردا اعلام کرده است، ملاقاتهایی با "کانالهای مختلف، موسسات مختلف" دولت آمریکا داشته است. از مفاد این مصاحبه پیدا است، نماینده حزب دمکرات دلگرمی لازم را به دست نیاورده است. چون مذاکراتی در کار نبوده و "این کانالها و موسسات" هم به طور جدی جناب نماینده حزب دمکرات را به بازی نگرفته و سیاست روشنی را به وی اعلام نکرده‌اند. تنها چیزی که نماینده

نماینده حزب دمکرات کردستان ایران در واشنگتن در مصاحبه‌های

## مراسم سالروز درگذشت منصور حکمت

۴ و ۵ ژوئیه ۲۰۰۳ لندن

حزب کمونیست کارگری ایران

حزب کمونیست کارگری عراق

آذر ماجدی

تلفن اطلاعات: ۰۰۴۴۷۸۱۳۰۴۵۸۷۰



## صف جریانات ناسیونالیست برای نوکری آمریکا

هیچکس به اندازه این ارتجاع در مقابل مردم دنیا که در ابعاد میلیونی به این جنگ اعتراض کردند، قرار نگرفت و از مردم آزادیخواه دنیا فاصله نگرفت.

با استقرار نیروهای آمریکا در عراق همانطور که انتظار می رفت، جریانات ناسیونالیست کرد در منطقه پشت سرهم صف بستند، تا بر خوان نعمتی که توسط قناره بنیان آمریکایی در نتیجه کشتار مردم بی دفاع عراق در منطقه پهن شده بود، بنشینند. انگار مسابقه‌ای است که نباید عقب بیافتند. نکنند سهمی برایشان باقی نماند. از راست ترین جریانات منطقه، تا کله شق ترین آنها دارند با حضور آمریکا در منطقه بیعت می کنند. غیر از دو حزب کردستان عراق



صالح سرداری  
sardari@web.de

هیچ جریان و هیچ کسی به اندازه اردوی ارتجاعی ناسیونالیسم کرد از کشتار مردم عراق توسط آمریکا و حضور وی در منطقه، رقص و پایکوبی راه نینداخت و به استقبال آن نرفت.

حزب دمکرات متوجه شده است، "دوگانگی" سیاست آمریکا و ناخرسندی از "سیاست وزارت خارجه" و امیدواری به "سیاست پنتاگون" در قبال ایران بوده است. با وجود این، اما مردم آزادیخواه و جنبش رادیکال و کمونیستی در کردستان به دلایلی که به آن اشاره میکنم لازمست، این واقعه را جدی بگیرند و از همین آغاز با مقابله محکم و روشن خواب و خیال ارتجاعی حزب دمکرات کردستان را نقش بر آب کنند.

جنگ و پیروزی نظامی آمریکا در عراق، ارتجاع منطقه و مشخصا ناسیونالیسم ایرانی و

صفحه ۲

یعنی اتحادیه میهنی و پارت دمکرات بارزانی ها که از نیروهای اصلی در دوران حمله آمریکا به عراق در رکاب سربازان آمریکایی به خدمت مشغول بودند، حزب دمکرات کردستان ایران از آن "پارچه" دیگر نیز بوی رسیدن به سهمی از قدرت به مشامش رسید و هر چند با تاخیر، اما با تعجیل و دست پاچگی که ناشیانه هم آنرا درایت و تیزهوشی اسم گذاشته بود، در جبران تاخیرش در اطلاعیه ای رسمی پیوستن خود به کمپ آمریکا را اعلام و از آمریکا خواستار تکرار سناریوی عراق در ایران شد.

تازگی جریان دیگری که از "پارچه" دیگری در اطلاعیه ای رسماً وفاداری خود را به آمریکا اعلام داشته جریان پ. ک. ک. سابق است که اکنون با نام "کنکره دمکراسی کردستان" فعالیت می کند. در این اطلاعیه که به زبان کردی نوشته شده است، رسماً اعلام کرده اند، که دست از مبارزه مسلحانه بر خواهند داشت، اما بحث مبارزه مسلحانه و یا غیر آن در دستگاه فکری ناسیونالیسم کرد نیست. نکته مهم دست به نظر ایستادن در شرفیابی در حضور میلیتاریستی آمریکا در منطقه است که گویا مردم کرد می توانند در پناه آن به حق خود برسند.

صفحه ۴

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## اپوزیسیون بورژوائی ...

"اعلیحضرت" رضا شاه دوم، کنفرانس میگیرد و بر حقوق "اقوام" ایرانی و اتحاد همه آنها در راه "منافع ملی" و فاصله گرفتن خود از حکومت "توتالیتر" دینی، تاکید میکند. خالد عزیزی نماینده حزب دمکرات کردستان ایران، در جریان سفر به آمریکا برای توضیح سیاستهای حزب متبوع خود، در مصاحبه با فریدون زرنگار خبرنگار رادیو فردا میگوید:

"طبیعتا ما یک روابطی با دولت آمریکا داریم، قبلا هم مذاکراتی با وزارت خارجه و پنتاگون داشتیم... تا بحال دولت آمریکا سیاستهای وزارت خارجه را در باره ایران تعقیب کرده است. سیاستشان این بوده است که بقول خودشان ایران را مجبور کنند تغییر سیاست بدهد، نه اینکه رژیم ایران را تغییر دهند"

نمایند دفتر سیاسی حزب دمکرات اضافه میکند: "اما از هفته های اخیر پیداست که مخصوصا پنتاگون و موسسات اطراف آقای بوش میخوانند بیشتر و بیشتر روی ایران فشار بیاورند" اما علیرغم جانبداری خالد عزیزی از "سیاست پنتاگون و موسسات اطراف دولت آقای بوش"، او هنوز مطمئن نیست که عین این سیاست پیش برود به این دلیل کلا با قدری یاس میگوید: آمریکا هنوز سیاست "شفافی" ندارد! بعلاوه حزب دمکرات برای یافتن مکانی در کنار موسسات اطراف دولت بوش، از قول آقای خالد عزیزی، سیاستهای رسمی حزب دمکرات را هم قدری دستکاری و رفو میکند. طرفدار سیستم فدرالی میشود و میگوید: "قدرت در تهران متمرکز نباشد"، بلکه "قدرت در ایران به مناطق مختلف با توجه به هویتهای ملی تفویض شود". قبلا "کاک" عبدالله حسن زاده دبیر کل حزب دمکرات می گفت حزب او نماینده دیگر "خلقها و قوم ها" در ایران نیست. در هرحال انگار فرمول معجزه آسانی برای بند و بست با "اعلیحضرت" و تمامیت ارضی خواهان در فدرالیسم و صدا البته در هماهنگی با سیاستهای پرزیدنت بوش یافتند. و این تغییر دکوراسیون و لحن و انتخاب تعاریف هویت قومی و ملی و

مذهبی البته با اعلام سیاست "تغییر رژیم" از جانب آمریکا قابل توضیح است. همه اینها هم وانمود میکنند که انگار تهدیدهای دولتی بوش برای تغییر رژیم، نقشی در این عشق مفرط به دمکراسی فدرالیسم قومیها و پیروان ملل و مذاهب ندارد!

اما فقط بخش سلطنت طلب اپوزیسیون بورژوائی رژیم و حزب ناسیونالیسم کرد نیست که دارند "اکتیو" میشوند. در آنسوی معادله، چه در طیف دوخردادیون حکومتی و چه طرفداران آنان در "اپوزیسیون" ما شاهد تغییر لحنها و فروش و حراج مواضع طبق مد پنتاگون و تب بازار سیاست نظم نوین هستیم. خاتمی در پیامش به مناسبت سالروز دو خرداد، نگران "داخل" و لایمهای طرفدار خود در درون ارگانهای رژیم اسلامی نبود. کار را با یک معذرت خواهی آیکی تمام کرد و در مقابل به تقابل با تعبیر القاعدهای رژیم اسلامی از جانب مقامات آمریکا روی آورد. نوشت

که جوهر و ماهیت دو خرداد حفظ کیان "اسلام امام خمینی" بوده است. جنبش اصلاح طلبان دوخرداد که فلسفهاش تضمین بقا رژیم اسلام بود، برای حفظ و بقا اسلام در حکومت و برای دخالت در زندگی مردم ایران، حساب خود را از طالبان و القاعده جدا میکند، باز به اصلاحات روی میآورد و دارد نوع آمریکا پسند و بوش پسند آنرا به بازار عرضه میکند. نامه های سرگشاده نمایندگان مجلس اسلامی به خامنه ای و اخطار به او که باید برای نوشیدن جام زهر آماده باشد، بازتاب دیگری از این رویگردانی از اسلام "توتالیتر" و پوشیدن لباس مذهب و اسلام "دمکراتیک" است. قدری آنطرفتر، در میان طیف متلون طرفداران رژیم در جمهوری خواهان شاهد این همسوئی با سیاست تغییر رژیم از سوی آمریکا هستیم. و انتظار هم دارند که این طاق نصرت زندهایشان را به سلامتی پرزیدنت بوش فوق العاده وفادار و کشته مرده دمکراسی، کسی نبیند و به رخشان نکشد. با وجود همه اینها، وضعیت عراق بعد از "آزادی"، برکناری گارنر و برگماری برمر هنوز آئینه عبرتی برای کل طیفهای اپوزیسیون بورژوائی نشده است. دل بستگی به ارتجاع

صفحه ۳

## ◀◀ در یوزگی ...

ناسیونالیسم کرد در ایران را هم به وجد آورده است. این جریانها امید و سیاستهای ارتجاعی خود را به جنگ و کشتار و موشکهای آمریکا و پنتاگون بسته اند، تا بلکه سناریویی که در عراق اتفاق افتاد، در ایران هم تکرار شود. حزب دمکرات با سقوط رژیم و حزب بعث "متحد و دوست دیرینه که بر اساس بعضی اهداف مشترک رابطه برقرار کردند" (رجوع شود به جلد اول پنجاه سال مبارزه از عبدالله حسن زاده). لب رازدارش را گشود و علنا خشنودی خود را از جنگ و حضور آمریکا و آمادگی برای پادویی سیاستهای این دولت در کردستان ایران اعلام کرده است. اعزام مجدد و سریع نماینده در این شرایط به واشنگتن و ملاقات مقامات دست چندم آمریکا، اساسا جهت اعلام رسمی این پادویی بوده است. مهم این نیست که هنوز به طور جدی ملاقات نشده اند و اینبار هم جناب نماینده دست از پا درازتر، بدون نتیجه مشخص برگشته است. مهم مشاهده این پدیده است که آمریکا در تداوم قلدر منشی و هرژومونی طلبی جهانی اش، در راستای تحکیم در خاورمیانه و خلیج فارس به تغییراتی در نظام سیاسی ایران و احتمالا به جنگ دیگری هم احتیاج دارد. در این چارچوب به یاری طلبیدن هر نیروی ارتجاعی که آمادگی انطباق با سیاست آمریکا را داشته باشد، از موضوعیت جدی برخوردار است. بویژه آمریکا به این مسئله آگاه است که در ایران تحرک سیاسی مردم علیه جمهوری اسلامی در جریان است. جنبش و حرکت رادیکال و چپ هر روز قدرت بیشتری میگیرد و کمونیسم و حزب کمونیست کارگری یک وزنه اساسی در تحولات سیاسی ایران است. لذا اگر بخواهند در نتیجه ایجاد تغییرات در حاکمیت ایران و تغییر احتمالی رژیم، قدرت به دست مردم نیفتد، به نیروهای مشابه "اتحادشمال" افغانستان احتیاج دارند. ناسیونالیسم پرو غرب ایران و ناسیونالیسم کرد و مشخصا سلطنت طلبان و حزب دمکرات در این چارچوب برای آمریکا مطلوبیت دارند. آمریکا در محاسبات نه چندان دقیق خود، فکر میکند اینها میتوانند هم

کارت فشاری باشند در دست آمریکا علیه جمهوری اسلامی و هم ابزاری برای کنترل اوضاع در فردای بعد از جمهوری اسلامی. متقابلا صف ارتجاع و مثل ناسیونالیسم و جریاناتی مثل سلطنت طلبان و حزب دمکرات که نه تنها ربطی به مردم ندارند، بلکه اهداف و سیاست و پراتیک و سابقه آنها ضدیشان را با مردم اثبات کرده است، دقیقا جهت رسیدن به قدرت و سهم شدن در قدرت به کنار زدن مردم و پایمال کردن اراده مردم و حمایت آمریکا در این راستا احتیاج دارند. به این دلایل این موضوع را باید جدی گرفت.

## حزب دمکرات به خط قرمز پا میگذارد.

حزب دمکرات کردستان دارد ریسکی بزرگی میکند. با گره زدن سرنوشت خود به سیاستهای آمریکا پا به خط قرمز گذاشته است. مصلحت گرایی روز و یا عجز و ناتوانی سیاسی خاص رهبری حزب دمکرات مانع آن است که متوجه شوند، اوضاع ایران با شرایط سیاسی عراق و افغانستان متفاوت است. تکرار سناریویی که در افغانستان و بویژه در عراق اتفاق افتاد کار ساده ای نیست. صرف نظر از اینکه آمریکا برای تکرار چنین سناریویی در سطح بین المللی با مشکلات جدیتری مواجه است و تازه پاشنه آشیل پروژه وی در عراق و حتی افغانستان قابل مشاهده است. اما مهمتر اینکه شرایط و فضای سیاسی جامعه ایران بسیار متفاوت است. مردم ایران دارند تکلیف جمهوری اسلامی را با مبارزه خود و از پایین تعیین میکنند رادیکالیسم سیاسی و چپ گرایی در جامعه ایران موج میزند. امید و اعتقاد وسیع مردم به سرنوشت جمهوری اسلامی و اعمال حاکمیت مستقیم خود، راهنمای عمل و مبارزه سیاسی گسترده ای در سراسر ایران و در میان بخشهای مختلف مردم است. جنبش رادیکال و مردمی و حزب کمونیست کارگری از همینجا نیرو میگیرند و روز به روز قدرتمندتر در صحنه حضور پیدا میکنند. سناریوی سیاه و ارتجاعی مورد نظر آمریکا درست مردم ایران مردود است. حزب دمکرات در نظر دارد پا جای پای اتحادیه میهنی و پارت دمکرات کردستان عراق بگذارد. اینجا هم باید متوجه باشند نه

فاکتورهای منطقه ای و نه موقعیت جنبشها و نیروهای سیاسی در کردستان ایران، مشابه نیست. تکرار اوضاع بلاتکلیف و سرگردانی که در ۱۲ سال گذشته بر کردستان عراق تحمیل شد، ممکن نیست. نه امکان ایجاد "منطقه پرواز ممنوعه" مورد نظر آمریکا هست و نه "حزب دمکرات یکته تاز" صحنه سیاست در کردستان ایران است. مردم آزادیخواه کردستان ایران که از نزدیک رنج و محنت ۱۲ سال گذشته در کردستان عراق تحت حاکمیت اتحادیه میهنی و پارت دمکرات کردستان را دیده اند، به چنین سناریوهایی تن نمیدهند. اگر حزب دمکرات جهت اطلاع از وضع کردستان ایران یکبار هم شده به تحرک اعتراضی یکسال گذشته در کردستان مروری بکند، اگر خطابیها و قطعه نامه های ۸ مارس و اول مه و فستیوال ۲۰ هزار نفره در سنج و بیابیه دانشجویان دانشگاه کردستان را مطالعه کند، متوجه میشود یک جهت گیری اساسی این تحركات علیه جنگ طلبی آمریکا و کارکرد ناسیونالیسم کرد به عنوان پیاده نظام آن بوده است. حزب دمکرات بهتر است از گذشته درس بگیرد. موقعیت و کمونیستی جامعه کردستان را در محاسبات خود بگنجانند. بدانند همانطور که بیش از دو دهه قبل همین جنبش چپ و رادیکال مانع سازش وی با جمهوری اسلامی شد. اینبار و البته آماده تر و بسیار قوی تر از گذشته هرنوع بند و بست ارتجاعی و از بالا و از جمله پروژه آمریکایی در کردستان را ناکام میکند. جنبش آزادیخواهی مردم ایران و حزب کمونیست کارگری از "عراقیزه" کردن جامعه ایران جلوگیری میکنند. برای سرنوشت جمهوری اسلامی و اعمال حاکمیت مستقیم مردم میکوشند. حزب دمکرات مناسبتر است با این وضعیت خود را منطبق کند. حزب دمکرات بهتر است از در یوزگی در بارگاه "پنتاگون" دست بکشد. از خط قرمز عبور نکند. ما به طور جدی حزب دمکرات را از تبدیل شدن به چماق دست آمریکا و تبدیل شدن به شریک جرم آن در تحولات پیشاری جامعه ایران برحذر میداریم. این به نفع حال و آینده حزب دمکرات کردستان است. □

## کرکوک خونین محصول نظم نوین



عبدالله شریفی  
abe\_sharifi@yahoo.com

از روز ۱۶ مه بمدت چند روز، شهر کرکوک محل درگیری خونین قومی شد. طبق اخبار درج شده در هفته نامه (هاولاتی) شماره ۱۲۴ - شهروند بزبان کردی چاپ سلیمانیه)، در ضد و خورد نظامی به مدت چند روز بین دارودسته های مسلح وابسته به احزاب ناسیونالیست کرد و عرب، شهر کرکوک را به خون کشیدند. طبق این منبع خبری ابتدا در خیابان (احمد آغا) چند دسته مسلح وابسته به احزاب پارتی (حزب دمکرات کردستان عراق) و یکجانبی (اتحادیه میهنی کردستان) به اذیت و آزار عابرین عرب پرداخته و همزمان یک نفر عرب زبان را از پل الشهدا به پایین پرتاب میکنند. در ادامه نیروهای عشایر عرب با تحریک سران عشایر در ۴۰ ماشین مسلح از شهرکهای

حویجه و ربیاز به داخل شهر کرکوک و محلات کرد نشین حمله میکنند، که منجر به آوارگی تعدادی از مردم میشود. در این حمله دفاتر پارتی و یکیتی را به آتش میکشند. روز بعد نیروهای مسلح عشایر کرد وابسته به احزاب ناسیونالیست کرد. به محله شوریجه حمله میکنند، مردم عرب زبان این محله آواره میشوند و فرار میکنند. دامنه این تعرضات کثیف قبیله ای به شهرکهای داوقاق و مخمور گسترش میابد. نیروهای آمریکایی مستقر در کرکوک تحت توجیه اینکه این اختلافات قبیله ای ریشه تاریخی دارد دخالت چندانی نمیکند. اگر چه نهایتا مجبور میشوند مسلحین عشایر کرد را از منطقه شوریجه بیرون کنند و مردم را به سر خانه هایشان باز گردانند، اما مردم مضطرب و نگران هنوز هیچ تضمینی برای زندگی ندارند. بنا به اخبار رسانه های گوناگون شمار کشته شده گان از ۱۰۰ نفر تجاوز کرده است. مضافا باید گفت سازمانداندان گروههای قوم پرست، جو ارباب وحشت را در شهر کرکوک دامن زده است. گروهی تحت نام " گروه انتقام" یا به عربی "لجنه الانتقام" با پخش وسیع اطلاعاتی های تهدید آمیز به زبان عربی عربهای مقیم کرکوک را تهدید کرده است.

کرده اند در صورت تخلیه نکردن شهر از اعراب یک به یک آنها را میکشند... آنچه امروز در کرکوک میگذرد جلوه ای از منظره دردناک سناریوی سیاه تدارک دیده شده برای عراق بعد از جنگ است. وضعیت شهرهای دیگر نیز توصیفی بهتری ندارند. نجف میدان جولان دسته های مسلح و تروریستی و متخاصم اسلامی شده است. بصره با انحلال شورای قلابی شهر مجددا نا آرام است. بغداد مرکز کشمکش های قومی و مذهبی است. چند هفته قبل در خالص در نزدیکی بغداد در درگیری مسلحانه گروههای قومی کرد و عرب چندین نفر کشته شدند. اما آنچه به شهر کرکوک ویژگی میدهد، این است که سالها است این شهر نفت خیز محل کشمکش و تلاقی خونین ناسیونالیسم عرب و کرد است. این اواخر ترکیه هم به این بازار معرکه وارد شده و ترکمن های سازماندهی شده توسط این کشور هم به یکی از بازیگران تبدیل شده اند. رژیم فاشیستی بعث سالها با سرکوب مردم عرب زبان و کرد زبان در این شهر پر جمعیت، آوارگی را به هزاران خانوار کرد زبان زحمتکش و کم در آمد ساکن این شهرتحمیل کرده و از طرفی دیگر دهقانان فقیر عرب زبان را ناچار به مهاجرت به این شهر کرده است. بازنده گان این بازی کثیف ناسیونالیستهای متخاصم، مردمان دست تنگ شهر و روستاهای این

منطقه (چه کرد زبان و چه عرب زبان) بوده اند. اکنون که شکافهای قدیم و جدید این احزاب با هم دهن باز کرده اند، که بنا به اعتراف خودشان حاصل اختلافاتشان باعث شد که یک "عرب" رئیس پلیس شهر کرکوک شود، و حالا که... باز هم به جان و زندگی مردم شهرها و از جمله شهر کرکوک چنگ زده اند. دور دیگر از کشتار را راه انداخته اند، و بر طبل پوچ پاکسازی "بعث و صدامیان" می کوبند. فکاهی این قضیه آنجا است که خود با ژنرالهایی بعثی عامل کشتار مردم کردستان، همکار و همسفره شده اند. از خزرچی و وفیق سامرابی رهنمود میگیرند. و مردم عادی را بابت زد و بند و ساخت و پاخت وضعیت ناپایدار خود به جان هم میندازند. سنگینی وجود خودشان بر سرنوشت مردم کافی نبود، گروههای فوق مافیایی قوم پرست هم سازمان میدهند. قابل انتظار است که فردا کارگر زن و دانشجوی جامعه کردستان اگر حق خود را مطالبه کنند، به بهانه بعثی بودن به جانان بیفتند، تا موج سرکوب راه بیندازند. این عین سناریوی سیاهی است که باید با نیروی مردم لگام زده شود. این عین جنگ قومی است که تنها با دخالت مستقیم مردم در سرنوشت خود به عقب رانده میشود. مسخره تر آن است که حزب برادرشان در کردستان ایران یعنی حزب دمکرات به تکرار این

فجایع در ایران و کردستان دلخوش کرده است. لابد قصد دارد نقده را تکرار کند و یا در سایه آمریکا میاندو آب و کرمانشاه را هم اضافه کند!!!! کرکوک خونین امروز، با عشایر مسلح و خون ریزی قومی، محصول نظم "نوین" است، ارمغان حقوق بشری پنتاگون است. این حقیقت تلخ، هشدار است به جهان، به کل بشریت، این سناریو میتواند ابعاد فاجعه باری در سراسر عراق و منطقه داشته باشد. بشریت آزادیخواه باید با این بربریت مقابله کند. واقعیت این است که کرکوک یکی از شهرهای صنعتی عراق است. این شهر باید بوسیله حاکمیت مردم غیرغم ملیت و جنسیت و مذهب بر مبنای تساوی کامل حقوق شهروندی اداره شود. در قرن بیست و یکم این مدنیت بیشتر از توحش عصر قوم و قبیله امکان پذیر است. مردم باید از احزاب قومی و ملی حلقه بگوش ارتش آمریکا عبور کنند و آنان را طرد و به عنوان جریانات ضد انسانی سر جایشان نشانند. این یگانه راه خلاصی از نکت جنگ قومی و عشیره ای و مذهبی است.

۲۶ مه ۲۰۰۳

\*\*\*

یک دنیای بهتر  
برنامه حزب کمونیست  
کارگری را بخوانید

اسلام را هویت مردم بپاخاسته علیه سلطنت و شاه معرفی کردند و این بار میخواهند از روی نمونه عراق "آزاد شده"، هویت قومی و دینی و اقلیمی و ملی را به مبارزه مردم ایران برای بزرگ کشیدن رژیم جانوران اسلامی حقه کنند و بازار مهندسی افکار را باز دایر نگاه دارند. هوشیاری مردم، آمادگی و مبارزه برای به انزوا کشاندن هر نوع نقشه و توطئه تحمیل هویت قومی و ملی و مذهبی و تقویت و گسترش صفوف کمونیسم کارگری و تحکیم نیروی آزاد و برابر و جهانشمول هویت انسانی بیش از هر زمانی نیاز و ضرورت است.

۲۷ مه ۲۰۰۳

●●●

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

قومیت ها و فرقههای مذاهب" برای حاکم کردن بر مردم ایران زیر فشار و به کمک ابزارهای پنتاگون و سیا و لباس پلنگیها و رنجرهای ارتش آمریکا، بر جامعه ایران وصله نچسپی است. صف میلیونی جهان متمدن به اندازه کافی خشم و بیزاری خود را از پیامدهای نظم نوین اعلام کرد. به خاک سیاه نشاندن جامعه ۷۰ میلیونی ایران تحت پوشش عوامفریبانه سناریویی که نمونه بارز آنرا جهان در مردم عراق دیده است، نباید هرگز اجازه داد. پائین آوردن سطح توقع مردم و تنزل مطالبات آنها به سطح جامعههای تقسیم شده بر مبنای هویت قومی و مذهبی و ملی و مرید و پیرو زعمای دست ساز و دست چین و امتحان پس داده مرتجع، آلترناتیو "دمکراتیک"

استراتژیستهای نظم نوین است. مردم ایران نباید زیر بار این سقوط به قعر توحش و قهقرای تاریخ بروند. با اینحال حتی جامعه ایران که نیروی رهانی از مذهب و اسلام سیاسی در تار و پود آن تنیده است و کشمکشها و تنشها و نفرت ملی و قومی کوچکترین وزنی در آن ندارد، در برابر میکرب و ویروس پاکسازیهای قومی و ملی و مذهبی هنوز بطور کامل واکنسینه نیست. در شرایطی که دولت بوش دارد مقدمات تحمیل سناریو سیاه دیگری را بر مردم ایران تدارک میبیند، تحرک و جست و خیز مجموعه اپوزیسیون بورژوازی رژیم اسلامی، میتواند پرده سیاهی بر جامعه ایران بکشد. یک بار از میان دریانی از خون و جنایت،

اپوزیسیون بورژوازی... فدرالیسم قومی و مذهبی و کمک به فراهم کردن زمینه های سناریو سیاه نظم نوینی در ایران، فاکتور اساسی تحرک اینها در روزهای اخیر شده است. جهت سیاست تغییر رژیم بوش و دواثر حکومتی اش، عشق به شریک کردن روسای "اقوام" و مذاهب و ادیان "ملل ساکن ایران" و بقایای رژیم سابق در حکومت مورد نظر آمریکا نیست. تعلق خاطر به هویت ملی قومی، دینی اقلیمی و بی ربطی همه این طیف به هویت انسانی و موازین حقوق مدنی انسانها، اینها را از درک ماهیت واقعی سیاست نظم نوین که در عراق به روشنی در برابر انظار جهانیان گرفتارند، عاجز

## لغو حکم اعدام مردم بوکان را خوشحال کرد

پنج صبح چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت زندان بوکان:

علی بیلیاردی که به اتهام قتل حکم اعدام گرفته، برای اجرای حکم پای دار برده میشود. در مراسم فجیع قصاص اسلامی، شماری از مسئولین رژیم، بستگان مقتول و بستگان علی حضور دارند. در لحظاتی که جلادان رژیم اسلامی طناب به گردن علی می اندازند و نفس ها در سینه حبس است، ناگهان سکوت سنگین میشکند، خانواده مقتول اعلام میکنند که نمیخواهند علی اعدام شود؛ به این ترتیب حکم اعدام علی لغو میشود و فضایی از احساس همبستگی انسانی بجای فضای هولناک و ضد انسانی قصاص اسلامی می نشیند. علی بیلیاردی چهار سال پیش به اتهام قتل شخصی از اهالی "حاجیکند" بوکان زندانی شده و حکم اعدام گرفته بود و از آن زمان در انتظار اجرای حکم بود. مخالفت خانواده مقتول با اجرای حکم اعدام علی، موجی از شادی و قدردانی در میان مردم شهر بوکان و حومه برانگیخت. سیل نامه‌های قدردانی از این تصمیم انسانی از جانب مردم شهر به سوی خانواده مقتول جاری شده است. چندین اطلاعیه از جانب بخشهایی از مردم با همین مضمون و علیه مجازات وحشیانه اعدام در شهر پخش شده است. روز پنجشنبه پلاکارد بزرگی در فلکه فرمانداری از طرف مردم شهر آویزان شد که روی آن متنی با مضمون مخالفت با قصاص و تشکر از خانواده مقتول نوشته شده بود.

ما نیز خود را در شادی مردم بوکان از لغو حکم اعدام یک انسان شریک میدانیم و به تصمیم انسانی خانواده قربانی و حرکت قدرشناسانه مردم بوکان درود میفرستیم. این واقعه نشان داد که مجازات وحشیانه اعدام که در نسخه اسلامی "قصاص" زشتی ضد انسانی آن علنی تر به نمایش گذاشته میشود عمیقاً مورد تنفر مردم است. این واقعه جلوه ای از انسان دوستی جامعه، جلوه ای از این حقیقت انسانی است که انتقامجویی در "ذات" انسان نیست بلکه بروز فحیح از خودبیگانگی انسان است، که آنرا مناسبات ضد انسانی و خرافات حاکم بر جامعه تولید میکند و دامن میزند. زیر لایه‌های خرافی تحمیلی بر هر فرد، یک انسان دوستی عمیق و طبیعی نهفته است. هر کس با مراجعه به درون خود، میتواند دریابد که انسانیت او با انتقامجویی و بویژه با مجازات وحشیانه اعدام که رسماً آدمکشی سازمانیافته دولتی و یادگار دوران توحش است سازگاری ندارد.

ما یک بار دیگر مردم آزادیخواه و انسان دوست در بوکان و هر جای دیگر را به تشدید مبارزه علیه قوانین جمهوری اسلامی و برای کوتاه کردن عمر این رژیم نکبتبار فرامیخوانیم.

## کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱ خرداد ۱۳۸۲ - ۲۲ مه ۲۰۰۳

## دهها نفر از کارگران خباز بوکان بیکار شدند

تعدادی از نانوائی‌های شهر بوکان تحت فشار فرماندار بوکان تعطیل شده‌اند. بهانه فرماندار ظاهراً این است که این نانوائیها مجوز قانونی ندارند و این در شرایطی است که جناب فرماندار و بقیه مسئولین رژیم از صدور مجوز هم خوداری میکنند. تا روز دوشنبه ۵ خرداد (۲۶ ماه مه) حدود ۲۰ نانوائی در شهر بوکان به زور فرماندار این شهر بسته شده است. این واقعه باعث بیکار شدن دهها نفر از کارگران خباز در بوکان شده است. لازم به توضیح است که کارگران بیکار شده در این خبازها از هیچگونه مزایایی برخوردار نبوده و عملاً تنها کانال امرار معاش آنها نیز قطع شده است. کارگران و سندیکای خبازان بوکان به این عمل فرماندار شدیداً معترض هستند و به اشکال مختلف نارضایتی خود را به اطلاع مسئولین رژیم و شخص فرماندار رسانده‌اند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران، کارگران خباز را به اعتراض علیه سیاست بیکارسازی رژیم فرامیخواند. کارگران بیکار شده حق دارند کار مناسب داشته یا بیمه بیکاری مکفی دریافت کنند. جا دارد کارگران بخشهای مختلف و مردم مبارز این شهر به هر شیوه ممکن از اعتراضات کارگران نانوائی پشتیبانی کنند. تنها مبارزه و اعتراض متحدانه و سازمانیافته میتواند رژیم را از ادامه سیاست ضد کارگری خود منصرف کند.

## کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۶ خرداد ۱۳۸۲ - ۲۷ مه ۲۰۰۳

## صف جریانات ناسیونالیست...

اگر نه میدانند که آمریکا اتفاقاً از طریق خشن ترین و نالسانی ترین شیوه "مبارزه مسلحانه"، شیرازه مدنی جامعه عراق را زیر و رو کرده است. به نقل قول هایی از اطلاعیه توجه کنید: "به وسعت منطقه اوضاع و احوال برای رشد آزادی و حقوق بشر فراهم آمده است حال چه آنهایی که در قدرت هستند و چه اپوزسیون. آنهایی که سیاست خود را با این اوضاع تطبیق نداده عقب افتاده اند و رها شدن شان نیز دور شده است این برای کردها نیز صدق می کند" و در ادامه می نویسند: "لازم است که امریکا نیز به پیشرفت و دموکراسی کمک کند" در ادامه مینویسند:

"کنگره دموکراسی کردستان که بر اساس خط مشی دموکراتیک فعالیت های خود را به پیش می برد اینک با درک این نیاز با احساس مسئولیت تاریخی عمل می کند. برای اینکه احساس مسئولیت تاریخی خود را به انجام برساند از انجام فداکاری های بزرگ کوتاهی نمی کند. کنگره دموکراسی وقتی می بیند که بعد از سقوط رژیم در عراق اوضاع از اساس دچار تغییر و تحول شده و شرایط برای فعالیت سیاسی فراهم گشته، به این نتیجه رسیده که دیگر نیازی به انجام فعالیت مسلحانه

دارد، فرصتی مناسب و دوباره ای برایشان فراهم شده، که یک بار دیگر بخت خود را بیازمایند تا شاید نیروهای آمریکایی روی خوشی به آنها نشان دهند و مانند همپالگی های خود در کردستان عراق به نان و نوایی برسند. آنچه که در این اطلاعیه تازه است و روشن به آن اشاره کرده اند، آمادگی این حزب برای "همکاری" با آمریکا می باشد.

با این شیفت از آمادگی برای "همکاری" با نیروهای آمریکایی در منطقه، جریانات ناسیونالیستی بار دیگر نشان دادند که نه تنها هیچ ربطی به زندگی مردم ندارند، بلکه درست در مقابل رفاه و حرمت و آسایش و امنیت آنها قرار دارند. به تاریخ ۵۰ ساله اینها به قول خودشان در "چهار پارچه کردستان" نگاه کنید. این احزاب در دوره های مختلفی مردم را زیر لوای مبارزه برای رفع ستم ملی به میدان آورده اند. آنها را برای رسیدن به قدرت خود گوشت دم توپ کرده و سپس بنا به ماهیت طبقاتی و مصالح حزبی خود به بند و بست با دول منطقه و قدرت های بزرگ پرداخته، یا سازش کرده و تسلیم شده اند. برای اثبات این ادعا می توان به سه نمونه برجسته در "سه پارچه کردستان" جمهوری مهاباد قاضی محمد، تسلیم

ملا مصطفی بارزانی در سال ۱۹۷۵ و جریان پ.ک.ک. در سال های اخیر اشاره کرد. مردم رنج دیده کردستان در بخش های مختلف منطقه با مرور این تجارب باید دیگر برایشان روشن شده باشد که این احزاب نه تنها نتوانسته اند کوچکترین مشکلی را برای مردم حل کنند، بلکه خود نیز به مشقات و مصیبت های مردم کرد که از طرف دولت های سرکوبگر مرکزی بر آنها روا داشته شده است، اضافه کرده اند. این احزاب متناوباً خود در خدمت دولت های مرتجع منطقه قرار گرفته و علیه مردم بخش های مختلف کردستان دست به جنایت زده اند. به سابقه اتحادیه میهنی و مناسبات وی با رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی نگاه کنید. سابقه همکاری های بی دریغ حزب دمکرات کردستان عراق که آن سال ها "قیاده موقت" نام داشت و به عملیات مشترک سال ۹۶ ارتش بعث با همین حزب برای تصرف شهر اربیل مراجعه کنید. و به ضد حمله مشترک اتحادیه میهنی و نیروهای سپاه پاسداران برای بازپس گیری سلیمانیه در سال ۹۶ از دست حزب بارزانی ها نگاه کنید. به عملیات مشترک ارتش ترکیه و بارزانی علیه پ.ک.ک. و به همکاریهای پ.ک.ک. و جمهوری اسلامی و دهها نمونه دیگر در دو دهه اخیر همگی ماهیت واقعی این جریانات را بوضوح نشان می دهد.

اینها اکنون به خدمت کردن برای آمریکا روی آورده اند. همه می دانیم حضور آمریکا در منطقه با خود جنگ و مصیبت بیشتری را برای همه مردم به ارمغان آورده است. هر کسی که می خواهد برای آزادی و رفاه سعادت و رهایی از هر نوع ستمی مبارزه کند، باید با حضور آمریکا در منطقه به مبارزه برخیزد و تمام احزاب و جریاناتی را که به سرسپردگی امریکا تن داده اند، افشا و رسوا نماید. مردم مترقی و آزادیخواه در کردستان باید صف خود را از این سرسپردگان جدا کرده و خود را به مبارزه میلیون ها انسان که به قلدرمنشی و قدر قدرتی آمریکا معترض اند، وصل نمایند. باید کاری کرد که این تصویر از ذهن مردم متمدن جهان زدوده شود، که گویا مردم کردستان در کنار دولت آمریکا قرار گرفته اند. بگذار احزاب و جریانات ارتجاعی کرد به هر خدمتی که خود می خواهند برای آمریکا مشغول شوند، اما بشریت متمدن باید حساب توده های مردم را از جریانات و احزاب ناسیونالیست و قومی کرد جدا کند.

۲۰ مه ۲۰۰۳

۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۲